



نموده‌هایی از

«توصیه‌ها و کارکردهای اخلاقی» پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

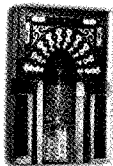
در حج

سید حسین شفیعی

مقدمه:

اگرچه از دیرباز، با تلاش جمعی از محققان صاحب‌نام و گروهی از نویسندگان پرآوازه؛ کتاب‌ها، رساله‌ها، و مقالات فراوانی در زمینه «حج» نگاشته شده،^۱ لیکن بیشتر آن‌ها ناظر به ابعاد فقهی، عبادی و فردی این فریضه عظیم الهی است.^۲ کمتر پژوهشگر و نویسنده‌ای را می‌توان یافت که در پژوهش و نوشته‌هایش به ابعاد سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی این عمل ارزشمند معنوی توجه کرده باشد. بروز این کوتاهی و بی‌توجهی (و شاید هم غفلت) از سوی برخی از نویسندگان، موجب شد تا توجه بیشتر شرکت‌کنندگان در کنگره عظیم «حج»، محدود و معطوف به بُعد فردی و فقهی آن گردد و از پرداختن به دیگر ابعاد آن، غافل، بلکه بیگانه باشند.

نکته قابل توجه این است که از بررسی پاره‌ای از متون و منابع نگارش یافته در باب «حج»، چنین برمی‌آید که بُعد اخلاقی این فریضه الوالی آسمانی، بیش از دیگر ابعادش مورد غفلت و بی‌توجهی محققان و نویسندگان قرار گرفته است؛ در حالی که به یقین، توجه به جنبه‌های اخلاقی این سفر الهی و معنوی، موجب پُر بار شدن معنویات برآمده از آن خواهد شد.



میتواند

بررسی سنت گفتاری و رفتاری پیامبر اعظم ﷺ در زمینه «حج»، حکایت از آن دارد که آن بزرگوار، ضمن اهمیت دادن به بُعد فقهی «حج» و کوشش فراوان در جهت آموزش مناسک آن به مسلمانان،^۳ از توجه دادن آنان به دیگر ابعاد حج، به‌ویژه بُعد اخلاقی آن، دریغ نوزید.

آن حضرت، از سویی در طول این سفر - همچون دیگر لحظات زندگی - خود عامل به فضایل اخلاقی بوده و از دیگر سوی، با لحاظ فرصت‌های مناسب، بارها از سالکان این سفر معنوی خواست تا به اصول و فضایل اخلاقی پایبند باشند و از هر چیزی که از رذایل اخلاقی محسوب می‌گردد، پرهیز نمایند؛ تنها در خطبه‌ای که در جریان «حجّة الوداع» در صحرای عرفات ایراد نمود، رعایت امور اخلاقی ذیل را به مسلمانان توصیه کرد:^۴

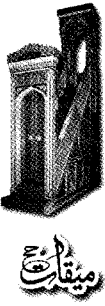
- * اخلاص در عمل و پرهیز از ریا.
- * حفظ و ادای امانت.
- * پرهیز از سنت‌های جاهلی (مانند تعصّب‌های نابه‌جا، اعمال بغض و کینه‌توزی و...).

- * نادیده گرفتن برتری‌های کاذب نژادی و قبیله‌ای.
- * برخورد شایسته با زیردستان و رعایت حقوق آنان (به‌ویژه بانوان).
- * حفظ وحدت، اخوت و همدلی مؤمنان با یکدیگر.
- * دوری جستن از خیانت به دیگران و غیبت و...^۵

اکنون ما، در این نوشتار کوتاه، تنها پاره‌ای از توصیه‌ها و کارکردهای اخلاقی پیامبر اعظم ﷺ در سفر معنوی حج را به بحث و بررسی گذاشته‌ایم، به امید آن‌که توانسته باشیم ره‌توشه‌ای را برای راهیان کوی دوست فراهم آوریم؛ **إن شاء الله**

۱- اخلاص (= پرهیز از ریا)

از برترین مصادیق فضایل اخلاقی، خصلت والای «اخلاص» است. در اهمیت اخلاص همین‌بس که معیار و ملاک عبادی بودن افعال بندگان قلمداد گردیده است.



علی‌علیه السلام فرمود: «الإخلاص ملاك العبادة»؛^۶ «اخلاص، معیار و ملاک عبادت است». به سخن دیگر؛ قبولی هر عمل قربی بندگان الهی، مشروط به برخورداری آن، از خصلت زیبای «اخلاص» است.

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «إذا عملت عملاً فاعمل لله خالصاً لأنه لا يقبل من عبادة الأعمال إلا ما كان خالصاً»؛^۷ «هرگاه کاری کردی، آن را تنها برای خدا انجام ده؛ زیرا او، تنها اعمال خالص بندگانش را می‌پذیرد.»

بی‌تردید، فریضه ارزشمند حج، از این قاعده مستثنی نیست؛ بلکه می‌توان گفت: وابستگی آن به اخلاص، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا هدف غایی در این سفر، راه یافتن به محضر پروردگار و مشاهده جمال محبوب است.

امام سجّاد علیه السلام، به وقت ملاقات با «شیلی»^۸ از وی پرسید: «فَجِئْنَا وَصَلَّتْ مَكَّةَ نَوَيْتَ بِقَلْبِكَ أَنْكَ قَصَدْتَ اللَّهَ؟ قَالَ: لَا، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا دَخَلْتَ الْحَرَمَ وَلَا رَأَيْتَ الْكَعْبَةَ وَلَا صَلَّيْتَ. ثُمَّ قَالَ: طُفَّتْ بِالْبَيْتِ وَمَسِسْتَ الْأَرْكَانَ وَ سَعَيْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَجِئْنَا سَعَيْتَ، نَوَيْتَ أَنْكَ هَرَبْتَ إِلَى اللَّهِ؟»^۹

«آن‌گاه که به مکه رسیدی با قلب خود نیت خدا را داشتی؟... آیا وقتی به سعی پرداختی، بر آن بودی که به سوی خدا بگریزی؟»

امام خمینی رحمه الله نیز - با الهام از این‌گونه گفتار ائمه علیهم السلام - فرمود:

«لیک‌های مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت الله تعالی به اسم جامع^{۱۰} جواب می‌دهند. مسأله، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب. گویی گوینده از خود در این محضر بی‌خود شده و جواب دعوت را تکرار می‌کند. و دنباله آن سلب شریک به معنای مطلق^{۱۱} آن می‌نماید، که اهل الله می‌دانند، نه شریک در الوهیت فقط...»^{۱۲}

در گفتار دیگری فرمود:

«مهم آن است که حاج بدانند که کجا می‌رود و دعوت کی را اجابت می‌کند و میهمان کیست، و آداب این میهمانی چیست؛ و بدانند هر خودخواهی و خودبینی با خداخواهی مخالف است و با هجرت الی الله مباین و موجب نقص معنویت حج است.»^{۱۳}

به یقین، دست‌یابی و حضور در چنین جایگاهی، بدون اخلاص ممکن نخواهد بود. مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی الهی قمشه‌ای^{۱۴} در این راستا این‌گونه سروده است:

ای دل اگر عزم دیار داری قصد حجاز و کعبه و دیدار داری
شوق شهود حضرت دلدار داری اوّل ز دل نفس سوی الله پاک گردان^{۱۵}

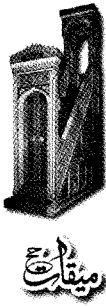
استاد فرزانه، آیه‌الله جوادی آملی نیز فرمود:

«تجلی این خلوص در برخی از عبادات نمایان‌تر و طرد شرک در برخی دیگر قوی‌تر و آشکارتر است. از جمله این عبادات، حج می‌باشد؛ زیرا توحید در آن تجسم می‌یابد و از آغاز تا انجام نمونه‌ای است برای توحید و طرد شرک... از مولای ما امام صادق علیه السلام در دعای سفر حج، روایت شده است، پس از ادای کلمات فرج فرمود: بِسْمِ اللّٰهِ خَرَجْتُ وَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ... فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ بِكَ وَ لَكَ»^{۱۶}

سپس فرمود:

«کسی که آگاه است و به زبان دعا احاطه دارد، تفاوت میان فرمایش آن حضرت که فرمود: «فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ بِكَ وَ لَكَ» را با دیگر ادعیه و اوراد، به‌خوبی درمی‌یابد. چون مهم در این جا ذات خدای تعالی است و لقای اوست، نه اسمی از اسمای حُسنای حضرتش. حج، سیر به‌سوی خدا و رفتن برای دیدار او و تعالی است برای نزدیکی به آن، که در علو و الوایی نزدیک و در نزدیکی اش بس والا و بالا است و تکامل به جوار کسی است که از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است و بنده جز با توحید دایم و ناب و طرد شرک جلی و خفی به مولایش تقرّب نمی‌جوید»^{۱۷}

ناگفته نماند: کسب «اخلاص» به وقت انجام اعمال عبادی - به‌خصوص فریضه حج - و حفظ آن از آلوده شدن به ریا و خودنمایی، کاری بس سخت و دشوار است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «تَصْفِيَةُ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنْ الْعَمَلِ وَ تَخْلِيصُ النَّيَّةِ عَنِ الْفَسَادِ أَشَدُّ عَلَى الْعَامِلِينَ مِنْ طُولِ الْجِهَادِ»^{۱۸} «خالص ساختن عمل سخت‌تر از خود عمل است و پاک کردن نیت از فساد و ناخالصی برای عمل‌کنندگان از جهاد طولانی دشوارتر است.»



البته دشواری کسب اخلاص در سفر حج و دیگر اعمال عبادی موجب نمی‌شود که ما در پی تحصیل آن نباشیم، بلکه می‌بایست با تلاشی مضاعف در این راستا حرکت کنیم و پس از شناسایی آفت‌ها به مقابله جدی با آنها برخیزیم؛ زیرا همان‌گونه که بیشتر اشاره شد، اعمال غیر مخلصانه مورد قبول درگاه خداوند قرار نخواهد گرفت.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - أُنَا خَيْرُ شَرِيكَ، مَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لَمْ أَقْبَلْهُ»؛^{۱۹} «خداوند متعال فرموده است: من بهترین شریک هستم، هرکس در عمل خود برای من شریک بیاورد، هرگز آن را نمی‌پذیرم...»

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، افزون بر توصیه حج‌گزاران به کسب اخلاص و دوری از ریا و خودنمایی، خود نیز در پی تحصیل این خصلت نیکو بود و مأموریت یافت که به مردم اعلام کند: «إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ»؛^{۲۰} «من مأمور شده‌ام که خدا را بپرستم و برای او دین را خالص گردانم.»

لیک‌های مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت الله تعالی به اسم جامع جواب می‌دهند. مسأله، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب

انس بن مالک می‌گوید: «پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم، پس از تهیه ابزار و وسایل مورد نیاز و تهیه حوله‌ای که قیمت آن چهار درهم یا کمتر از آن بوده، آماده حرکت برای سفر حج شد؛ در آن هنگام روبه درگاه خداوند نموده، چنین گفت:

«اللَّهُمَّ حَجَّةٌ لَا رِيَاءَ فِيهَا وَلَا سُمْعَةَ...»؛^{۲۱} «خدایا! حجی را انجام می‌دهم که از خودنمایی و

کسب عنوان و اعتبار دور است.» متأسفانه، هرچه بر عمر حج و تاریخ اسلام می‌گذرد، شاهد دور شدن و فاصله گرفتن جمع زیادی از حج‌گزاران از این سیره نبوی می‌شویم؛ این است که می‌بینیم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با علم و آگاهی دقیق از نیت و باطن این گروه از راهیان به دیار کعبه و حرم، فرمود:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُحِجُّ أَغْنِيَاءَ أُمَّتِي لِلنُّزْهَةِ، أَوْ سَاطَهَا لِلتَّجَارَةِ، فَقَرَأُوهُمْ لِلرِّيَاءِ وَ السُّمْعَةِ.»^{۲۲}

«زمانی می‌رسد که ثروتمندان امت من برای تفریح به حج می‌روند، و مردم عادی برای تجارت، و قاریان آن‌ها برای خودنمایی و کسب عنوان و اعتبار، و فقرای امت من برای تکدی و گدایی به حج مشرف می‌شوند».

سلمان فارسی از شنیدن این جملات تعجب می‌کرد، ولی هر جمله‌ای که سبب تعجب وی می‌شد، پیامبر ﷺ می‌فرمود: «سوگند به خدایی که جان من در دست اوست، این حوادث در آینده واقع خواهد شد.»^{۲۳}

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

«الْحَجُّ حَجَّانٍ، حَجٌّ لِلَّهِ وَحَجٌّ لِلنَّاسِ، فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ وَ مَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^{۲۴}

«حج دو گونه است؛ برای خدا و برای مردم، هرکه برای خدا حج کند، پاداش او بهشت است و هرکه برای مردم به حج رود، در قیامت پاداش خود را باید از مردم بگیرد. (کنایه از این‌که پاداشی نصیب وی نخواهد شد.»

در هر حال، اگر با انجام حج، دنبال ثواب و پاداش الهی و طالب غفران و آمرزش پروردگار کریم هستیم، باید اخلاص را سرلوحه کار خویش قرار دهیم. امام سجّاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

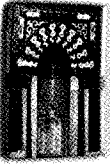
«مَنْ حَجَّ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - لَا يُرِيدُ بِهِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ
الْبَيْتَةَ».^{۲۵}

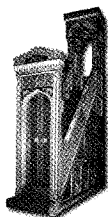
«کسی که در حج، هدفی جز خدا نداشته باشد و در فکر دیدن و شنیدن و ستایش مردم نباشد، حتماً خداوند او را می‌بخشد.»

شایسته است برای دستیابی به خوی شایسته اخلاص، رو به درگاه خدا آوریم و بگوییم:

«اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الشُّرْكِ، وَ عَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ لِسَانِي مِنَ الْكَذِبِ وَ وَ عَيْنِي مِنَ الْخِيَانَةِ».

«خدایا! قلبم را از توجه و تکیه بر غیر خودت، و عملم را از ریا، و زبانم را از دروغ و چشمم را از نگاه‌های ناپاک و خیانت‌بار حفظ فرما!»^{۲۶}





مِيقَاتُ

۲- «توبه» و بازگشت از گناه

از جمله اعمال صالحی که در آیات و روایات فراوان، توصیه و ترغیب به انجام آن شده، «توبه» و بازگشت از گناه است. پروردگار کریم، در قرآن کریمش وعده داد که توبه کنندگان را می‌پذیرد و از گناهانشان می‌گذرد،^{۲۷} و آنان را دوست دارد و به آنان مهر می‌ورزد.^{۲۸} پیامبر اسلام ﷺ نیز از خشنودی خداوند از توبه کنندگان خبر داد و فرمود:

«وَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ أَوْ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ».^{۲۹}
 «نزد خداوند چیزی محبوب‌تر از مرد یا زن مؤمن توبه‌گر نیست.»

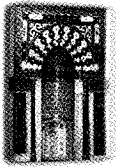
امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «خداوند به داوود پیامبر - که بر پیامبر ما و خاندانش و بر او درود باد! - وحی فرستاد: ای داوود، هرگاه بنده مؤمن من گناهی کند و سپس از آن گناه برگشته، توبه نماید و به هنگام یاد کردن از آن گناه از من شرم کند. او را بیامرزم و آن گناه را از یاد فرشتگان نگهبان اعمال ببرم و آن را به نیکی بدل کنم و از این کار مرا باکی نیست که من مهربان‌ترین مهربانانم.»^{۳۰}

زمانی می‌رسد که ثروتمندان امت من برای تفریح به حج می‌روند، و مردم عادی برای تجارت، و قاریان آن‌ها برای خودنمایی و کسب عنوان و اعتبار، و فزای امت من برای تکدی و گدایی به حج مشرف می‌شوند

نکته قابل توجه این‌که، حسن روی آوردن به توبه، محدود به زمان و مکان خاصی نیست؛ توصیه پیشوایان معصوم علیهم السلام به گناهکاران این است که در انجام توبه شتاب کنند و از هرگونه تأخیر در جهت تحقق آن بپرهیزند.

علی علیه السلام فرمود: «إِنْ قَارَأْتَ سَيِّئَةً فَعَجَّلْ مَحْوَهَا بِالتَّوْبَةِ»؛^{۳۱} «هرگاه گناهی مرتکب شدی، با توبه در محو آن شتاب کن.»

امام جواد علیه السلام نیز می‌فرماید: «تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ اغْتِرَازٌ وَ طَوْلُ التَّسْوِيفِ حَيْرَةٌ»؛^{۳۲} «به تأخیر افکندن توبه فریب و غفلت است و امروز و فردا کردن مایه حیرت و سرگستگی.»



میقات

البته از بررسی برخی آیات و روایات چنین برمی‌آید که: پاره‌ای از این زمان‌ها و مکان‌ها، بستر مناسبی برای عملی ساختن «توبه» است و نقش ارزنده‌ای در پذیرفته شدن آن دارد.

بی‌شک، درک موسم حج و حضور در میقات و دیگر مشاهد مشرفه، همچنین حالت ارزشمند محرم شدن و انجام طواف و غیره؛ از بهترین فرصت‌ها برای روی آوردن مجرمان و گناهکاران به «توبه» است؛ زیرا طبق فرمودهٔ امیر مؤمنان علیه السلام: «وَأَذْنِي مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أَمَّهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ»^{۳۳} «کمترین دستاوردی که زائر از حج می‌آورد این است که گناهانش آمرزیده شود.»

به‌طور یقین، دست‌یابی به این ارمغان ارزشمند، مشروط به انجام توبهٔ حقیقی از سوی حج‌گزاران است؛ بنابراین، ضروری است زائران از این فرصت استثنایی و مناسب، که در اختیارشان نهاده شده، بهره‌گیرند و از معاصی و گناهان پیشین خود پشیمان شوند و در صورت امکان، در صدد جبران آن‌ها برآیند و در ادامهٔ زندگی‌شان، عزمشان را بر پرهیز از نافرمانی پروردگار کریم قطعی کنند؛ یعنی تنها به رفتن به مکه و مدینه و پوشیدن لباس احرام و انجام ظاهری مناسک و حضور فیزیکی در مشاهد مشرفه دل خوش نکنند. این‌جا است که می‌بینیم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در فرازی از خطبهٔ غدیر^{۳۴} - که آن را پس از بازگشت از حجة‌الوداع، در سرزمین غدیرخم ایراد نمودند - خطاب به مردم این‌گونه فرمودند:

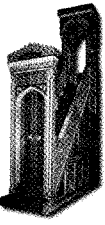
«مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّقْوَةِ وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ»^{۳۵}

«ای مردم، با دین و فقه کامل حج بگزارید و از مشاهد این سفر برنگردید مگر با توبه و کنده شدن از گناه.»

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ... ثُمَّ اغْسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْبَسْ كِسْوَةَ الصِّدْقِ وَ الصَّفَا وَ الْخُضُوعِ»^{۳۶}

«هنگامی که قصد حج کردی، با آب توبهٔ خالص، گناهانت را بشوی و لباس راستی و پاکی و خضوع و خشوع را بر تن کن.»



۳- «حسن خلق» (= خوش خویی)

مِثْقَالِ حَبِّ خَيْرٍ

خصلت زیبای «حسن خلق»، از خصلت‌های نیک اجتماعی است که تحسین همگان را به همراه دارد. هیچ فرد یا گروهی را نمی‌توان یافت که از صاحب این خوی شایسته ستایش نکند. در کتب اخلاقی و غیر آن، آیات و روایات فراوانی در جهت تمجید از آن نقل گردیده است؛^{۳۷} برای نمونه، برخی از آن‌ها را مرور می‌کنیم:

- پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «الْإِسْلَامُ حُسْنُ الْخُلُقِ»؛^{۳۸} «اسلام، خوشخویی است.»
- در بیان دیگری فرمود: «حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ»؛^{۳۹} «خوی نیکو، نصف دین است.»
- از روایت دیگر نبوی چنین برمی‌آید که: «در سرای قیامت، افرادی به جهت اخلاق نیکشان، به درجاتی بزرگ و منزلتی والا دست می‌یابند؛ اگرچه در عبادت ضعیف و ناتوان باشند.»^{۴۰}

- در خبر دیگری، از امیرمؤمنان علیه السلام چنین می‌خوانیم: «حُسْنُ الْخُلُقِ رَأْسُ كُلِّ بَرٍّ»؛^{۴۱} «نیک‌خویی، سرآمد همه نیکی‌هاست.»

- در روایتی آمده است: «مردی به حضور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمد و گفت: مرا توصیه‌ای فرمایید که از آن بهره‌گیرم؟ از جمله سفارش‌های حضرت به آن شخص این بود: «أَلْقِ أَخَاكَ بِوَجْهِ مُنْبَسِطٍ»؛^{۴۲} «با چهره گشاده با برادرت برخورد کن.»

از بررسی آیات و روایات وارده در باب «حُسْنُ خُلُقٍ»، چنین برمی‌آید که ضرورت پای‌بندی به این خصلت شایسته، امری فراگیر است و شامل تمام حوزه‌های حیات اجتماعی (مانند: وطن، سفر، منزل، بازار، اداره و...) می‌شود؛ منتها رعایت آن در سفر، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ این است که در احوالات پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آورده‌اند: در یکی از سفرهایشان^{۴۳} فرمودند: «مَنْ كَانَ يَسِيءَ الْجَوَارِ فَلَا يُصَاحِبُنَا»؛^{۴۴} «کسی که در مصاحبت و مجاورت، بد عمل می‌کند با ما همراه و همسفر نشود.»

به‌طور طبیعی، در کنگره عظیم حج (که ملل مختلفی از جهان اسلام در آن حضور دارند و سالک این سفر با ملیت‌های گوناگونی مواجه و همراه می‌شود)، پایبندی به «حسن خلق» ضروری‌تر خواهد بود. به خصوص که قرآن کریم به‌طور صریح می‌فرماید:

﴿...فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ...﴾.^{۴۵}

«سخنان زشت، لغو، فحش، فسق، فجور، مراء و جدال در حج جایگاهی^{۴۶} ندارد.»

این کلام نورانی پروردگار حاکی از آن است که دستیابی حج گزار به ثواب و پاداش الهی، مشروط به این است که در طول سفر حج، فسق و فجور و جدالی از او سر نزنند. این است که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«مَنْ حَجَّ الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ».^{۴۷}

«کسی که حج کند و مرتکب زشتی و فسق نگردد، از گناهانش پاک شود؛ چنان‌که گویی از مادر متولد گردیده است.»

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«مَا يُعْبَأُ بِمَنْ يَوْمَ هَذَا الْبَيْتِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: وَرِعٌ يَحْجُرُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ، وَحُسْنُ الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ».^{۴۸}

«اعتنا نمی‌شود به کسی که قصد خانه حق کرده، در حالی که در او سه خلصت نیست: ورعی که او را از معاصی و گناهان بازدارد، حلمی که او را بر غضبش چیره سازد، و رفتار خوش با کسانی که همسفر او هستند.»

نکته قابل ذکر این‌که: در کتب روایی، در مورد تفسیر حسن خلق و تعیین حد و مرز آن،

اخبار گوناگونی آمده است؛ برای نمونه، به نقل چند روایت بسنده می‌کنیم:

آنگاه که از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: حد و معنای حسن خلق چیست؟ آن بزرگوار در

پاسخ فرمود:

«تُؤَلِّينُ جَانِبَكَ وَتُطِيبُ كَلَامَكَ وَتَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرِ حَسَنِ».^{۴۹}

«حسن خلق این است که نرم‌خو و مهربان باشی، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی.»

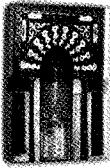
بی‌تردید، از مصادیق و موارد حسن خلق، تحمل کردن ناسازگاری همسفر است. در

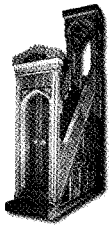
خبری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین می‌خوانیم:

«مَا أَصْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كَانَ أَحْظَمُهُمَا أَجْرًا وَأَحَبُّهُمَا إِلَى اللَّهِ أَرْفَقَهُمَا بِصَاحِبِهِ».^{۵۰}

«هرگاه دو نفر با یکدیگر همسفر شدند، آن کس که با دیگری رفق و مدارا پیش گیرد، نزد

خدا محبوب‌تر و پاداشش عظیم‌تر است.»





مِيقَاتُ

۴- سخاوت و بخشندگی

در آموزه‌های وحیانی، خوی «سخاوت» و «بخشندگی»، خصلتی شایسته و مهم شناخته شده است. در اهمیت آن همین بس که در پاره‌ای از روایات برجای مانده از معصومین علیهم‌السلام، از او به عنوان «خوی خداوند» و «خلق انبیای الهی» یاد شده است. پیامبر اعظم ﷺ فرمود:

«السَّخَاءُ خُلِقَ اللهُ الْأَعْظَمُ»؛^{۵۱} «بخشندگی، خوی بزرگ خداوند است.»

امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود:

«السَّخَاءُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ...»؛^{۵۲} «بخشندگی، از اخلاق پیامبران است...»

در کاوش‌های اجتماعی به این نتیجه دست خواهیم یافت که پای‌بندی افراد به صفت نیک «سخاوت»، موجب محبوبیت آنان در نزد دیگران و سبب آراستگی خلق و خوی آنان خواهد شد؛ امیر مؤمنان علیه‌السلام در این راستا می‌فرماید:

«السَّخَاءُ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ وَيُزَيِّنُ الْأَخْلَاقَ.»^{۵۳}

«بخشندگی، درستی می‌آورد و خلق خوی را می‌آراید.»

لازم به یادآوری است، اگرچه سخی بودن در وطن همچون سخاوت در سفر، عملی پسندیده به‌شمار می‌آید، لیکن بی‌تردید بروز این خصلت در سفر (که غالباً با مشکلات همراه است) امری پسندیده خواهد بود. این‌جا است که می‌بینیم پیشوایان معصوم علیهم‌السلام سخاوت در سفر را از نشانه‌های مروت و جوانمردی دانسته‌اند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

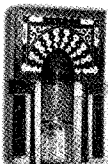
«إِنَّ مِنَ الْمَرْوَةِ فِي السَّفَرِ كَثْرَةَ الرَّادِ وَ طَيِّبَهُ وَ بَدْلَهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ.»^{۵۴}

«از نشانه‌های جوانمردی در سفر، توشه فراوان و مطبوع برداشتن و بذل و بخشش آن به همسفران است.»

از پیامبر خدا ﷺ نیز این‌گونه نقل شده است که:

«مَنْ شَرَفِ الرَّجُلِ أَنْ يُطَيَّبَ زَادَهُ إِذَا خَرَجَ فِي سَفَرٍ.»^{۵۵}

«از شرافت مرد آن است که چون به سفر رود، توشه خوب و پاکیزه بردارد.»



در بخشی از سروده بلند «ابن اعثم (= ابن اعسم) کوفی» آمده است:

مِنْ شَرَفِ الْإِنْسَانِ فِي الْأَسْفَارِ نَطِيهَ الزَّادِ مَعَ الْأَكْثَارِ
وَلَسِيدُ عِنْدَ الْوَضْعِ لِلْخَوَانِ مَنْ كَانَ خَاضِرًا مِنَ الْإِخْوَانِ^{۵۶}

«از شرافت مرد در سفر این است که توشه مطبوع و فراوان بردارد، چون آن را بر سفر می‌نهد، برادرانی را که حضور دارند دعوت کند.»

اگرچه سخن بودن در وطن همچون سخاوت در سفر، عملی پسندیده به شمار می‌آید، لیکن بی‌تردید بروز این خصلت در سفر (که غالباً با مشکلات همراه است) امری پسندیده خواهد بود. این‌جا است که می‌بینیم پیشوایان معصوم علیهم‌السلام سخاوت در سفر را از نشانه‌های مروت و جوانمردی دانسته‌اند

سخاوت و بخشندگی، از توصیه‌های مهم اخلاقی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام به سالکان سفر عظیم حج و عمره است، به طوری که عمل ناپسند «اسراف» و ریخت و پاش - که در سایر موارد زندگی امری نامشروع و از

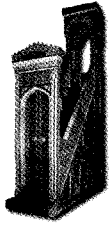
گناهان کبیره شمرده شده - در سفر الهی «حج» و «عمره» مورد ترغیب قرار گرفته و عملی شایسته دانسته شده است (البته در حد معقول و مشروع و امکانات. گو این‌که افراد در طول این سفر مهم می‌بایست دازای طبعی بلند بوده و از خصلت زشت امساک و گدامنشی دوری جویند.

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نَفَقَةِ قَصْدٍ وَ يُغْنِضُ الْأَسْرَافَ إِلَّا فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ فَرَحِمَ اللَّهُ مُؤْمِنًا اِكْتَسَبَ طَيِّبًا وَ اتَّقَى مِنْ قَصْدٍ أَوْ قَدَّمَ فَضْلًا».^{۵۷}

«پسندیده‌ترین نوع خرج کردن نزد خداوند، اقتصاد و میانه‌روی است و خدا از اسرافکاری بیزار است، مگر در حج و عمره. خدا پیامرزد بنده‌ای را که مال حلال و پاکیزه کسب کند و با رعایت اعتدال خرج کند و یا به دیگران بذل نماید.»

در اوصاف امام چهارم علیه‌السلام آورده‌اند:



«وَكَانَ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ لِقَهْرَمَائِهِ إِذَا أَرَدَتْ أَنْ تَشْتَرِيَ لِي حَوَائِجَ الْحَجِّ، إِشْتَرِ وَلَا تَمَّاكِسْ».^{۵۸}

«سید الساجدین علیه السلام به مسؤول تدارکات خود توصیه می‌فرمود که هرگاه می‌خواهد لوازم و مایحتاج حج را خریداری کند، در خریدن خشکی نکند.»

و نیز در احوالات آن حضرت آورده‌اند:

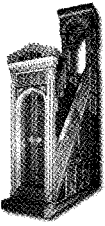
«هرگاه به قصد حج و عمره عازم مکه می‌شدند، از بهترین خوردنی‌ها چون بادام، شیرینی، قاووت ترش و شیرین همراه می‌بردند.»^{۵۹}

البته، سفر زیارت امام حسین علیه السلام از این مورد مستثنی است.^{۶۰}

پی‌نوشت‌ها

۱. تنها در «کتابنامه حج»، تألیف شیخ محمد حسن بکائی (چاپ اول، زمستان ۱۳۷۴ش) از ۱۳۵۵ کتاب مربوطه یاد شده است.
۲. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی، در کتاب «الذریعة إلى تصانیف الشیعة» ج ۶، صص ۲۵۴ - ۲۴۹ از چهل و سه کتاب نگارش یافته در باب احکام، آداب و اعمال حج یاد می‌کند و در ج ۲۲ همین کتاب، صص ۲۷۶ - ۲۵۳ نیز یکصد و شصت و هفت جلد مناسک حج از علما و فقهاء را نام برده است. البته در سایر مجلدات هم، کتاب‌های دیگری را ثبت کرده است. (مراجعه شود به: ج ۲۲، ص ۲۷۴)
۳. محمدی ری‌شهری، محمد، «الحجّ والعمرة في الكتاب والسنة»، صص ۲۲۳ - ۲۲۱؛ شماره ۶۷۹ و ۶۸۱ - ۶۸۳، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ش، دارالحدیث للطباعة والنشر، قم.
۴. متن این خطبه، در کتاب «حج الأنبياء والأئمة»، حیدر خزرچی، صص ۱۴۵ - ۱۳۸ (چاپ اول، محرم ۱۴۱۶ق. نشر مشعر، از منابع حدیثی گوناگون شیعه و اهل سنت نقل گردیده است.
۵. آیه‌الله جوادی آملی، در کتاب «جرعه‌ای از بیکران زمزم» (ترجمه و تحقیق علی حجتی کرمانی)، چاپ اول، ۱۳۷۱، صص ۱۷۷ - ۱۷۱ به شرح ده نکته مهم برگرفته از این خطبه پرداخته است.
۶. مدیرشانه‌چی، کاظم، الحکم من کلام أميرالمؤمنين علیه السلام، ج ۱، ص ۷۱، ش ۶۰۸، چاپ اول، ۱۴۱۷ق. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۳، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق. مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان.
۸. جهت توضیح بیشتر مراجعه شود به: جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، ص ۳۴۴، چاپ سوم، خرداد ۱۳۸۱،

- نشر اسراء، قم؛ محمدی ری‌شهری، محمد، الحج والعمرة في الكتاب والسنة، ص ۲۴۰، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، دارالحدیث للطباعة والنشر، قم.
۹. محمدی ری‌شهری، محمد، الحج والعمرة في الكتاب والسنة، ص ۲۳۷، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، دارالحدیث للطباعة والنشر، قم.
۱۰. اسم جامع الهی، «الله» است که در تلبیه (لیبک گفتن حاجیان) مکرر بر زبان جاری می‌شود.
۱۱. همان‌گونه که توحید بر سه قسم است: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی. در قیال هر یک از آن‌ها شرک قرار دارد یعنی: شرک ذاتی، شرک صفاتی و شرک افعالی و منظور از شرک به معنای مطلق آن، هر سه قسم شرک است.
۱۲. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۲
۱۳. همان، ص ۱۹۹
۱۴. علامه حسن‌زاده آملی، در توصیف مرحوم الهی قمشه‌ای چنین گفته است: مرحوم استاد الهی قمشه‌ای یکی از نوادر روزگار بود به ارتحال خود دل اهل الله را سوگوار کرد... الهی سحری بود، الهی شب با ستارگان گفتگو داشت، الهی را مناجات‌های آتش‌سوز است، الهی گریه‌ها داشت، الهی عالم ربانی بود الهی اهل ایقان بود، الهی مفسر قرآن بود، الهی سوز و گداز داشت، الهی راز و نیاز داشت، الهی مراقب بود، الهی عارف بود، الهی عارف بود، الهی عاشق بود، الهی مهربان بود و حسن‌زاده را آرام جان بود، الهی محب خالص پیغمبر و آل پیغمبر بود، الهی صاحب تألیفات بود، الهی نغمه حسینی بسرود، الهی تربیت‌شده آقا بزرگ حکیم و عارف یزدی بود، الهی الهی بود (نامه‌ها بر نامه‌ها، صص ۱۰۹ و ۱۱۰، چاپ اول، ۱۳۷۳ش، انتشارات قیام، قم)
۱۵. رهبر، محمدتقی، اخلاق و آداب در حج و زیارت، ص ۲۹، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷، نشر مشعر، تهران.
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۲۷۹، چاپ دوم، ۱۳۸۶ق. مکتبه الاسلامیه، تهران.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، جرعه‌ای از بیکران زمزم (ترجمه و تحقیق علی حجتی کرمانی)، ص ۹۸ و ص ۹۹، چاپ اول، ۱۳۷۱ش
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۸۴، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق. مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان.
۱۹. محمدی ری‌شهری، محمد، منتخب میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۲۰، ش ۱۸۸۳، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، ۱۳۸۲، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم.
۲۰. زمر: ۱۱
۲۱. ری‌شهری، محمد، الحج والعمرة في الكتاب والسنة، ص ۲۲۰، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ق. دارالحدیث للطباعة والنشر، قم.
۲۲. همان.
۲۳. قرائتی، محسن، حج، صص ۳۷ و ۳۸، چاپ ۱۳۶۵، دفتر انتشارات اسلامی قم (به نقل از تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۴۳۴).
۲۴. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۷۶، چاپ دوم، ۱۳۸۶ق. مکتبه الاسلامیه، تهران.
۲۵. قرائتی، محسن، حج، ص ۳۸، (وافی، ج ۲، ص ۴۷)، چاپ ۱۳۶۵، دفتر انتشارات اسلامی قم.
۲۶. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ص ۴۰۴، دعاء پس از دعاء ابوحمزه ثمالی.



۲۷. شوری: ۲۵ و فاطر: ۸۲
۲۸. بقره: ۲۲۲
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۱، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق. مؤسسة الوفاء، بیروت، لبنان.
۳۰. همان، ص ۲۸
۳۱. همان، ج ۷۴، ص ۲۰۸
۳۲. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۷۲، ش ۹۹۹ (ترجمه حمیدرضا شیخی)، چاپ سوم، ۱۳۸۳، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم.
۳۳. رهبر، محمدتقی، همراه با زائران خانه خدا، صص ۳۸ و ۳۹ (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۵)، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۵، نشر مشعر، تهران.
۳۴. متن این خطبه در کتاب «حج الأنبياء والأئمة علیهم السلام»، حیدر خزرچی، صص ۲۲۹ - ۲۲۱ (چاپ اول، محرم ۱۴۱۶ق. نشر مشعر، تهران)؛ از منابع مختلف حدیثی شیعی و سنی نقل گردیده است.
۳۵. همان، ص ۲۲۳
۳۶. محمدی ری شهری، محمد، الحج والعمرة في الكتاب والسنة، صص ۲۳۴ و ۲۳۵، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ق. دارالحدیث للطباعة والنشر، قم.
۳۷. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۸ (دوره ۲۰ جلدی)، صص ۵۱۰ - ۵۰۳ (چاپ دوم، ۱۳۸۶ق. مکتبه اسلامیة، تهران)، باب ۱۰۴ «باب استحباب حسن الخلق مع الناس»؛ در خلال این صفحات، تعداد ۳۲ روایت در جهت فضیلت «حسن خلق» ذکر گردید.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمة ج ۱، ص ۳۳۰، ش ۱۹۳۲ (ترجمه حمیدرضا شیخی)، چاپ سوم، ۱۳۸۳، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم.
۳۹. همان، ش ۱۹۳۳
۴۰. همان، ش ۱۹۳۷
۴۱. همان، ش ۱۹۳۵
۴۲. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۱۲، چاپ دوم، ۱۳۸۶ق. مکتبه اسلامیة، تهران.
۴۳. در کتاب «اخلاق و آداب در حج و زیارت»، تألیف محمدتقی رهبر، به نقل از مکارم الأخلاق ص ۲۸۸ آمده: «در یکی از سفرهایی که به حج می‌رفتند، فرمودند: «من کان...».
۴۴. رهبر، محمدتقی، همراه با زائران خانه خدا، ص ۲۹ (مستدرک سفینه البحار، ماده «سفر»، ص ۵۸)، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۵، نشر مشعر، تهران.
۴۵. بقره: ۱۹۷
۴۶. جهت آشنایی بیشتر با تفسیر واژه‌های مذکور در این آیه، به دو روایت منقول از امام صادق علیه السلام در کتاب «الحج والعمرة في الكتاب والسنة»، ص ۲۳۴، تألیف محمدی ری شهری، محمد (چاپ چهارم ۱۳۸۴ق. دارالحدیث للطباعة والنشر، قم) مراجعه شود.
۴۷. رهبر، محمدتقی، اخلاق و آداب در حج و زیارت، ص ۱۵ (احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۴۶)؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷، نشر مشعر.



۴۸. محمدی ری‌شهری، محمد، الحج في الكتاب والسنة، ص ۲۲۹، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ق. دارالحدیث للطباعة والنشر، قم.
۴۹. محمدی ری‌شهری، محمد، منتخب میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۳۰، ش ۱۹۴۴، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، ۱۳۸۳، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم.
۵۰. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۲، چاپ دوم، ۱۳۸۶ق. مکتبه‌الاسلامیه، تهران.
۵۱. محمدی ری‌شهری، محمد، منتخب میزان الحکمة، ج ۱، ص ۴۸۴، ش ۲۹۴۱، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، ۱۳۸۳، سازمان چاپ و انتشارات دارالحدیث، قم.
۵۲. همان، ش ۲۹۴۸.
۵۳. همان، ش ۲۹۴۷.
۵۴. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۰، چاپ دوم، ۱۳۸۶ق. مکتبه‌الاسلامیه، تهران.
۵۵. همان.
۵۶. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، صص ۶۵۷ و ۶۵۸، ماده «سفر»، تحقیق مجمع البحوث الاسلامیه، با اشراف علی‌اکبر الهی خراسانی، چاپ اول، ۱۴۱۶ق. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۵۷. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۵، چاپ دوم، ۱۳۸۶ق. مکتبه‌الاسلامیه، تهران.
۵۸. رهبر، محمدتقی، اخلاق و آداب در حج و زیارت، صص ۱۰۶ و ۱۰۷ (مکارم الأخلاق. ص ۳۰۵)، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷، نشر مشعر، تهران.
۵۹. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۰، چاپ دوم، ۱۳۸۶ق. مکتبه‌الاسلامیه، تهران.
۶۰. همان، ص ۳۰۵.

